

موقع و مقام شناسی



چنانچه انسان موقع و منزلت خود را دریابد و نیکو ارزیابی کند به چند نتیجه دست میابد
الف - در همان چیزی که هست امکان ارتقاء معنوی خویش را فراهم می گرداند .

ب - از هیجانات نفسانی و نوسانات در تصمیم گیری های خود میگذرد و به تعادل عاطفی میرسد .

ج - از ایده ها و نظریه های غیر قابل و صول چشم پوشی میکند و به واقعیت و عینیت امور رومی آورد ، و از آنچه شدنی است دفاع میکند .

د - کار خود را خوب انجام میدهد و اینکسه دیگران کارشان خوب نیست ، در او تاءثیر منفی نمی نهد .

ه - در مکان و منصب خود رشد فردی و رشد اجتماعی حاصل میکند .

و - رضایت خاطر پیدا میکند و احساس آبرومندی و شرافتمندی میکند .

ز - صدق در گفتار و صحت عمل در کردار نشان میدهد .

ح - دیگران او را همانطور که هست می نمایند ، میشناسند و به او اعتماد پیدا میکنند .



محمد حسن آموزگار

کسر ابرمبنای رفتاری که در موقع و موضع شغلی خویش نشان میدهد ارزش سنجی می نمایند.

"مدیریت دبستان"

یکی از مشاغل شناخته شده در جامعه کنونی مامدیریت دبستان است و اگر بگوئیم یکی از مشاغل مهم و ارزشمند جوامع مدیریت دبستان است سخنی به گزاف نگفته ایم. ارزش مدیر دبستان وقتی درست در نظر ما مجسم میشود که توجه کنیم هر روز و هر سال چند صد کودک بی آلایش و مستعد برای پذیرش هرگونه تعلیم و تربیت در اختیار او هستند. این کودکان بی چون و چرا فرامین و پیامهای مدیر را میشنوند و قبول میکنند، و این درحالی است که پدر و مادر هم مدرسه را برای تربیت کردن فرزندان، بهتر از خانه میدانند. پدر و مادرها که مدیر و معلم را شایسته تراز خودشان برای پرورش فرزندان میدانند، از مدیران نظارتی دارند. تصور کنیم که ما فرزندی داریم و او را به دبستان میسپاریم تا مدت پنج سال در آنجا تربیت شود و تعلیم ببیند. در اینصورت از مدیر مدرسه در رابطه با فرزند خودمان چه توقعاتی داریم؟ از او - انتظار داریم چگونه رفتاری داشته باشد؟ چه مهارتها و دانائیهائی را اکتساب کرده باشد؟ فضای آموزشی را چگونه آماده و تجهیز نموده باشد؟ رابطه اش با افراد ذریع چطور باشد؟ و خلاصه چطور احساس مسئولیت کند؟ همانطور که مادر کسوت پدر و مادر در صورت فرستادن بچه مان به دبستان از مدیر توقعاتی داریم اولیاء اطفال نیز همین انتظارات را دارند.

اینک وضعی را در نظر بگیریم که انسان هویت خویش و موقع و موضع خود را در اجتماع باز نیافته باشد، در اینصورت همه نتایج مذکور در فوق برای وی واژگونه خواهد بود، یعنی رضایت خاطر ندارد، اعتماد به نفس نمی کند قرار ندارد، همه چیز بانظر شک می نگرد، نقصان و گناه را به گردن این و آن می اندازد، از خود دفاع نامشروع میکند، ضد و نقیض سخن می گوید، و حالاتی نظائر اینها بر او مستولی است.

لذا ارزش شایسته خویش را باز میماند و منفعتی را که میتوانند به جامعه برساند کاهش پیدا می کند، در این رابطه بزرگان ما گفته اند:

رحم الله امرء عرف قدره خداوند رحمت کند کسی را که قدر خویش را بشناسد چنانچه انسان را به مقامی، منصوب کنند و وی بپذیرد، در اینصورت مسئولیتی را به گردن گرفته است انتظار آنست که صلاحیت لازم را اکتساب کند و ابزار لازم را در وجود خود و خارج از وجود خود حتی الامکان فراهم و تجهیز نماید، و در غیر اینصورت، هم خود را در مانده ساخته و هم به اجتماع آسیب رسانده است.

خود شناسی و مساله ارزیابی از موقع و منصب و شغل با اینکه کار ساده ای بنظر می رسد در عین حال حساس است و معمولاً مورد غفلت قرار میگیرد.

افراد در شغلشان بیشتر به منافع مادی آنها از نوع زود رس و سهل الوصول اکتفا میکنند.

هر کس از مجرای شغلی که برگزیده است، به درجات عالیتر ارتقا پیدا میکند. مردم هر کسی را بر اساس صداقت و حسن اجرا که در کارش نشان میدهد، قدر شناسی میکنند، و شخصیت هر

شاید مدیران فکر کنند که محتوای کتابها را میدانند و احتیاجی به خواندن آنها ندارند یا تصور کنند که دانستن محتوای کتابهای ابتدائی کار معلمان هرکلاس است و ربطی به آنان ندارد. اما اگر بپذیریم که مدیر یکی از بهترین معلمان است در اینصورت دانستن مطالب کتاب یکی از عوامل حسن انجام کار او خواهد بود. اولین کار مدرسه را اگر آموزش بدانیم این آموزشها از طریق کتابهای درسی به شاگردان منتقل میشود، لذا سزوار است شخص مدیر از محتوای آموزشی کلا " و اگر بهتر بگوئیم کلا " و جزء " با اطلاع باشد، حدود و حدود هر درس و هر برنامه را بداند در اینصورت است که میتواند مطالب درسی را بر حسب زمان تقسیم بندی نماید، و حدود داناتی شاگردان را در هر مقطع زمانی و سنی بشناسد، و در صورت ارزشیابی و امتحان، قضاوت صحیحی داشته باشد.

"شعبه های ارتباطی مدیر دبستان"

انسان به مناسبت نیازهای فردی و اجتماعی که داراست، به بسیاری امور مرتبط است در این بررسی و تحلیل به شعبه ارتباطی نزدیک به موقع کاری، آنها هم موقعیت مدیر دبستان توجه داریم. برخی از شعبه ارتباطی مدیر را به قرار زیر تشریح میکنیم. شاید ارتباطات مدیر در حوزه مسئولیت خودش، متخصصان و علمای تعلیم و تربیت به گونه های دیگر و حساب شده تربیر بشمارند، عجلان " این درجه بندی هم در جای خود خالی از منطوق و اعتبار نیست. و حداقل یادآوری برای مدیر هست تا به اهمیت کاری بیشتر بیندیشد و گاه و بیگاه خود را بازشناسی کند.



"رابطه مدیر دبستان با معلمان"

مدیر دبستان قبل از مدیریت یک آموزگار است که واجد اوصاف و توانائیهای مافوق آموزگار است. مدیر علم، مهارت و کارآئی بیشتری نسبت به آموزگار داراست.

هر گونه امتیازات تربیتی و آموزشی و استعدادات تعلیماتی که آموزگار داراست قاعدتاً در مدیر موجود است، و آنها به قرار زیر اند:

الف - احاطه علمی بر محتوای کتابهای درسی مقطع ابتدائی. در یک قضاوت بدوی

است شاخه ها و شعبی داشته باشد ، و خودبه تنهایی در تدریس روش خاصی را ایجاد نمایند .
مثلا " درس فارسی شامل روش تعلیم الفباء فارسی ، امـــــــلاء ، انشاء و دستور زبان است . هر کدام از اینها در عین اینکه بخشی از ادب فارسی یا شعبه های از علوم انسانی به حساب می آیند ، در عین حال برای تدریس هر کدام بایستی روش خاصی را بکاربرد .

آشنائی با فنون تدریس که پس از احراز تسلط بر موضوعات و مواد درسی اهمیت دارد و احاطه بر آن برای معلم و مدیر دبستان لازم است چندین اثر داراست از جمله :

– بازدهی کار معلم را فزونی می بخشد .
– معلم در مدتی کوتاه تر موفق میشود مطالب بیشتری را تعلیم بدهد .
– شاگردان بازحمت کمتری درس را فرامیگیرند و در واقع می فهمند .

– اگر تدریس با روش خوب انجام گیرد شاگرد میتواند اصول آموخته را تعلیم بدهد و در جاهای مشابه بکار بگیرد ، و تعمیم یکی از اصول مهم یادگیری است .

– با اتخاذ روش تعلیم صحیح نه تنها معلم و شاگرد خسته و فرسوده نمیشوند ، بلکه تعلیم و تعلم نشاط انگیز میشود علاوه بر اینکه برای تدریس هر یک از موضوعات درسی مثلا " :

ریاضی ، فارسی ، و علوم روشی مخصوص بکار میرود ، برای هر کدام از موضوعات درسی مثلا " علوم تجربی بر حسب هر محیط روش یا شیوه ویژه ای معمول می گردد . مثلا " نور ، الکتریسیته حرارت ، اصطکاک همگی مربوط به علوم اند و برای تدریس آنها تدابیر مشترکی اعمال میگردد و اشیاء و لوازمی ارائه و بکار گرفته میشود .



په: آشنائی با روشهای تدریس ، یکی از عوامل مهم ارتقاء سطح آموزش دبستان ، دانستن روش تدریس است . و در راس همه معلمان مدیر قرار دارد ، و اگر مدیر به روشهای تدریس آشنائی داشته باشد ، شایسته تر از هر شخص دیگری میتواند معلمان هر کلاس را راهنمایی کند ، و آنان را تحت تاثیر قرار دهد .

درسهائی که در دبستان تدریس میشود عبارتند از : فارسی ، حساب و هندسه و علوم تجربی ، تعلیمات اجتماعی ، (حقوق مدنی

تاریخ و جغرافیا) هنر (کار دستی ، خط ، نقاشی خیاطی ، آشپزی) هر کدام از این درسا ممکن

دارند و هر کدام با دیگری فرق دارد. در مسئله اول کافی است ۱۴ ریالی را به شاگردان کلاس دوم ارائه دهیم و ۵ ریال را از روی آن برداریم آنچه باقی می ماند باقیمانده پول علی و جواب مسئله است. اینرا شاگردان راحت می فهمند. در مسئله دوم پول علی ۱۴ ریال و پول احمد هم جداگانه پنج ریال است اگر بگوئیم پول احمد را از روی پول علی برمی داریم بهمان صورت مشکل مسئله اول قابل ارائه نیست، و مسئله را بنحو دیگری بایستی ترتیب داد تا عمل تفریق به ذهن کودک متبادر شود.

در مسئله سوم بیان دیگری میتوان داشت و آن اینکه احمد چقدر بایستی روی پول خود بگذارد تا پولهایش به اندازه پول علی بشود؟ مفهوم مسئله اول را در تفریق مفهوم کم کردن و مفهوم تفریق در مسئله دوم را مفهوم مقایسه های و مفهوم سوم را مفهوم جمعی عمل تفریق می گوئیم. اینک ملاحظه نمائید وقتی تفریق ساده را که ما از کنار آن بسادگی می گذریم اینطور ظرائف و دقائق دارد، در حالیکه در کلاس دوم ابتدائی و اوائل سال هم تدریس میشود مفاهیم موضوعات دیگر در سطوح بالاتر چگونه خواهند بود؟ اینست که کار معلمی به صرف دیپلم شدن و یا مرکز تربیت معلم گذراندن و دوره کاردانی را طی کردن، تمام شده نیست و ادامه دارد، و هرگز نمیتوان به همان دانسته ها و آموخته ها اکتفا و اقتناع نمود.



در عین حال شیوه آموزش الکترونیست به شیوه آموزش حرارت عیناً "یکی نیست پیروش و شیوه تدریس تا آنجا قابلیت تفکیک و بسط داراست که برای ارائه هر یک مبحث درسی و برای تعلیم هر صفحه از کتاب و شاید برای تفهیم هر قاعده و قانون که در یک خط نوشته میشود گاهی لازم است که معلم دقائقی شاید ساعاتی فکر کند، و چاره جوئی نماید و لوازم کار تجهیز کند و آنگاه موضوعی را در کلاس برای نوجوانان عرضه نماید. البته اعمال شیوه های تدریس و تدابیر مربوط به هر کدام گرچه اوائل کار معلمی وقت گیر است اما با یک دفعه و یک دوره تدریس، کار دفعات بعدی ساده میشود. و احاطه معلم بر مواد درسی و ایجاد انضباط فزونی میگردد.

ظرافت روش تدریس امری نیست که به سادگی بتوان از کنار آن گذشت. مواردی است که معلمان به راحتی از کنار آن میگذریم و گمان می کنیم که امر تدریس را به وجه احسن انجام داده ایم و این دیگر شاگرد است که باید خوب فهمیده باشد. ولی وقتی دقت بیشتری معمول می داریم و کنجکاو میشویم می بینیم مطلب بهمین سادگی نیست، به مسائل زیر در حساب دوم توجه نمائید:

- ۱- علی ۱۴ ریال داشت ۵ ریال آنرا خرج کرد، چند ریال دیگر دارد؟
 - ۲- علی ۱۴ ریال و احمد ۵ ریال دارند علی چقدر از احمد بیشتر پول دارد؟
 - ۳- علی ۱۴ ریال و احمد ۵ ریال دارند، احمد چقدر از علی کمتر دارد؟
- مسائل فوق هر سه تفریق اند، اما سه مفهوم